

## شرح درس ششم «مجاز» ... فنون ادبی ۲ یازدهم انسانی

امیدعلی شیخی کن کت / شهرستان نورآباد دلفان

\*\*\*\*\*

**مجاز:** یکی از زیبایی های بیان است که در آن اسمی در غیر از معنای حقیقی خودش به کار می رود.

مجاز یا به قول کتاب فنون جدید (ناهناده) عبارتست از کاربرد واژه در معنای غیر اصلی یا غیر حقیقی. اولین و رایج ترین معنای واژه که به ذهن می رسد، حقیقت یا (نهاده) است و معنای بعدی که از یک کلمه دریافت می شود، مجاز می باشد. همواره میان معنی حقیقی و معنی مجازی کلمه، رابطه یا پیوندی وجود دارد. این پیوند و یا نشانه ای هست که به آن «قرینه» می گویند.

قرینه در مجاز نشان می دهد که واژه مورد نظر در جمله یا بیت به معنای اصلی خودش به کار نرفته است. مجاز در کلمه ای صادق است که یک تصور در عالم خارج از آن داشته باشیم. یعنی انواع نداشته باشد. مثال:

وقتی می گوئیم: سر .... ذهنمان فوراً به کلمه سر انسان یا حیوان معطوف میشه. همچنین واژه «سر» انواع ندارد و فقط «سر» معنی می دهد. اما وقتی در جمله در کنار سایر کلمات به عنوان قرینه می آید معنای مجازی می تواند پیدا کند. مثل:

**مثال اول:** سر علی بزرگ است. (در اینجا حقیقت است چون سر مال علی است و شکل سر را نشان می دهد.)

**مثال دوم:** سر کوه بلند است. (در اینجا کوه که سر ندارد. سر یعنی قسمت بالای بدن انسان.. پس سر مجاز از نوک کوه یا همان قلّه کوه)

**مثال سوم:**

سر آن نداری که کاری انجام دهی. (سر در اینجا به معنی اندیشه و فکر و خیال است. یعنی خیال نداری که کاری بکنی.)

اگر دقت کرده باشید: کلمه «سر» در تمام جملات یکسان تکرار شده اما با همنشینی با سایر کلمات معنای جدیدی به خود گرفته است. به این کلماتی که معنای جدیدی به کلمه «سر» می دهند، قرینه می گویند.

اما کلمه «شیر» نمی تواند به عنوان مجاز بیاید؟ زیر شیر انواعی دارد؛ شیر همان حیوان درنده / شیر خوردنی / شیر آب

کلمه ای می تواند مجاز باشد که فقط یک مصداق داشته باشد. مثل «سر» که در مثال های بالا گفته شد.

حالا اگر در مثال های «سر» دقت کرده باشید «سر» در معنای مجازی گوناگونی به کار رفته است. و عاملی که باعث شده این معنای را بگیرد به آن «علاقه مجاز» می گویند. مثلاً در مثال های گفته شده در «سر»:

در مثال دوم: سر کوه .... سر یعنی نوک یا قلّه کوه که چون سر بلندی همراه است به آن مجاز با علاقه ی همراهی می گویند.

در مثال سوم: سر آن نداری .... سر مجاز از اندیشه و خیال و فکر که چون سر محلی برای اندیشه است به آن مجاز به علاقه محلیه گفته می شود.

علاقه ها بشمار هستند، که مهمترین آنها ( جزیه، محلیه، کلیه، سببیه، آلیه، شباهت، لازمی و...) می باشد.

مثالی دیگر :

دست بالای دست بسیار است..... خوب کلمه دست یک مصداق دارد آن هم دست انسان و وجود خارجی هم دارد.... پس می تواند مجاز باشد.. حال در این جمله ... دست: مجاز از قدرت... زیرا دست در آدمی نشان دهنده قدرت و تمام کارهای ما با دست انجام می گیرد....

بقیه جمله قرینه ای هستند که متوجه می شویم دست معنای حقیقی دست انسان نیست...

حالا دست: مجاز از قدرت ... زیرا دست سبب قدرت است و قدرت را نشان می دهد.. پس علاقه سببیه دارد....

**بیان این علاقه ها برای فهمیدن درست مجازهاست و گرنه یادگیری آن ها برای دانش آموزان لزومی ندارد.**

### چند نکته مهم درباره مجاز:

۱- تمام مجازها در اسم می آیند و در صفت ه و فعل ها به دنبال مجاز نباشید. مجاز در صفت ها و فعل های نمی آید.  
۲- اسمی می تواند مجاز باشد که در فرهنگ لغت و در ذهن و توجه انسان ها یک شکل و ریخت از آن به نظر بیاید و اگر چند شکل و شیوه داشته باشد نمی تواند مجاز باشد. مثال:

کلمه..... سر..... سر در ذهن و توجه انسان همان کلمه انسان یا حیوان است. و تا گفته شود... سر ... ذهن ها به سر انسان یا حیوان بر میگردد. و چند ریختی نیست. در فرهنگ لغت انسانها.. سر یعنی کله و قسمت بالایی بدن انسان.  
شیر.... چند ریخت و شکل در ذهن انسان دارد.... شیر جنگل..... شیر خوردن.... شیر آب... پس چون چند شکل و ریخت دارد نمی تواند مجاز باشد.

۳- مجاز، همیشه در جمله و عبارت خود را نشان می دهد و به تنهایی مجازی ساخته نمی شود. باید در کنار سایر کلمات در جمله مشخص شود.

۴- در مجاز های قرار گرفته در جمله... یک نوع پیوند وجود دارد که براساس آن می فهمیم که کلمه مجازی هست یا خیر؟ که به آن پیوند « قرینه » گفته می شود. مثل:

سرت را کوتاه کن..... کدام کلمه در این عبارت اسم است... سر.... سر یعنی کله که شامل چشم و گوش و مو و دهان و مغز و مژه و... می باشد. در اینجا منظور از ... سر.... موی سر است نه خود سر... سر: مجاز از مو... و سایر کلمات در جمله « قرینه » هستند.. کوتاه کن... قرینه است که براساس آن متوجه می شویم.. سر در معنای حقیقی خودش به کار نرفته است.

۵- مجازها در زندگی روزمره تمام انسان ها وجود دارد.

۶- در مجاز یک نوع علاقه دیده می شود که نشان دهنده معنای مجازی اسم مورد نظر است. مثال:

سرت را کوتاه کن.... سر... مجاز از موی سر.... مو.. جزئی از سر است... سر را کامل گفته اما منظور موی سر است.. پس کلیه است. یعنی کل سر را گفته منظور جزئی از آن یعنی... مو... است.

۷- نکته بسیار مهم درباره مجازها این است که اسمی می تواند مجاز باشد که با یکی یا چندتا از حواس پنجگانه قابل مشاهده و لمس باشد. یعنی عینی باشد نه ذهنی. اگر چیزی واقعیت داشته باشد نمی توان مجازی نامید. مثلا هیچ

چیزی را درباره خداوند از اسم های مبارک خداوند و صفت هایش را نباید مجاز نامید. چون همه چیز درباره خداوند حقیقت است نه مجاز.  
توضیح موارد بالا در قالب مثال:

### دیشب حوض یخ بست.

اسم ها در این جمله:  
\* ابتدا جمله را معنا کنید: دیشب آب داخل حوض یخ بست.  
\* سپس ببینید کدام واژه در معنا کردن تغییر می کند.  
دیشب: اسم است و معنای حقیقی دارد و در این جمله، معنای آن تغییری نکرده است.  
حوض: حوض یک قطعه سنگ و یا پلاستیک است.. سنگ و پلاستیک که یخ نمی کند. در معنا گفتیم « آب داخل حوض » یخ کرده... پس حوض در اینجا یعنی آب... زیرا... آب.. یخ می کند نه حوض...  
یخ بستن: فعل مرکب است و جزئی از فعل حساب می شود و نمی تواند مجاز باشد. زیرا فعل ها نمی توانند مجاز باشند.  
پس نتیجه می گیریم که... حوض.. مجاز از آب داخل آن است.  
کل حوض را آورده اما منظور آب داخل آن است..  
قرینه: یخ بست... قرینه ای است که با توجه به آن متوجه شدیم که منظور از حوض... آب داخل آن... است.  
علاقه: کل حوض را آورده اما جزئی از آن یعنی آب را خواسته.. پس کلیه است.. چون کل را گفته.

### مادر به بچه اش گفت: پسر م غذایت را با دست بخور.

کدام واژه مجازی می تواند باشد:  
مادر... همان مادر است.  
بچه: همان فرزند و بچه است.  
پسر: همان فرزند و پسر است.  
غذا: همان غذا است.  
دست: از آرنج تا نوک انگشتان را دست می گویند. انسان وقتی غذا می خورد با انگشتان می خورد یا با کل دستش یعنی از آرنج تا نوک انگشتان.  
بخور: فعل است  
به معنای دقیق واژه ها در جملات دقت کنید.  
اعضای بدن انسان... مثل: دست، پا، سر، چشم، دل، سینه، گوش.. می توانند در مجاز کاربرد زیادی داشته باشند.  
مثالی دیگر:

### سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال ها گذر کرد و گذر نگر خوابی

کدام کلمه یک مصداق خارجی و عینی دارد؟ سر و آفتاب  
حالا کدام کلمه می توند مجازی باشد؟ با مرتب کردن جمله متوجه می شویم:  
آیا امشب سر ندارد که آفتاب طلوع کند؟ ..... آفتاب که طلوع می کند این یک چیز واضحی است..... اما آیا امشب سر دارد؟  
پس؟ « سر » برای « امشب » جای سوال دارد؟ امشب سر ندارد یعنی امشب قصد یا اندیشه یا خیالی ندارد که برود تا آفتاب بیاید.....

خوب سر محل اندیشه و قصد و خیال است... علاقه محلیه می شود...

مثالی دیگر:

### قطره های باران روی خاک افتاد.

کدام کلمه ها هم عینی هستند و هم یک مصداق دارند؟ باران و خاک  
حالا: باران مجازی است یا خاک؟ قطره های باران افتاد... خوب قطره باران بر روی زمین می افتد این یک چیز عادی و طبیعی است. پس باران مجازی ندارد.

خاک: خاک جزیی از زمینی است که همه چیز دارد « درخت ، سزه، سنگ ، دریا و... » پس خاک مجاز از زمین است. و چون جزیی از زمین می باشد علاقه جزئیه دارد.

مثالی دیگر:

### لیک چنان خیره و خاموش ماند      کز همه شیرین سخنی گوش ماند

کدام کلمات عینی و ملموس در جهان واقعی قابل دیدن هستند و وجود خارجی دارند؟ گوش ( بقیه عینی نیستند).  
کدام قرینه نشان می دهد که « گوش » مجاز است؟ ماند... گوش که جاندار نیست که بماند...  
حالا « گوش » به چه معنایی آمده است؟ به معنای شنیدن...  
ابزار شنیدن در انسان چیست؟ گوش... پس علاقه آن آلت یا همان ابزاری است... گوش ابزار شنیدن است...

### سینه خواهم شرحه شرحه از فراق      تا بگویم شرح درد اشتیاق

کدام کلمه هم عینی هم وجود خارجی دارد؟ سینه  
کدام قرینه نشان می دهد که « سینه » مجاز است؟ بقیه مصراع اول  
سینه مجاز از چیست؟ قلب انسان عاشق  
علاقه آن چیست؟ سینه محلی است که قلب در آن جای دارد. پس علاقه آن محلیه است.  
نکته: از آنجا که در استعاره لفظ در معنای حقیقی خود به کار نمی رود ، لذا هر استعاره ای نوعی مجاز است. پس هر مجازی استعاره نیست، اما همه ی استعاره های مصرحه مجاز هستند.  
هر مجازی که با علاقه شباهت باشد به آن استعاره مصرحه می گویند. مثل:  
ماه من با من بگو از مهربانی های عاشقانه ات.

کدام کلمه در این جمله هم وجود خارجی دارد و هم مصداق یک چیز می باشد؟ ماه ( مهربانی و عاشقانه وجود خارجی ندارند و صفت هستند)

حالا قرینه ای که متوجه شویم ماه معنای واقعی ندارد چیست؟ من که با کسره به ماه اضافه شده است. ( ماه که مال کسی نیست.)

حالا منظور از « ماه » چیست؟ معشوق ( معشوق من )

علاقه این مجاز چیست؟ شباهت ( معشوق من مانند ماه است.)

چون علاقه شباهت دارد پس استعاره مصرحه می باشد.

مثالی دیگر:

### باز امشب ای ستاره ی تابان نیامدی      باز ای سپیده ی شب هجران نیامدی

در این بیت کدام کلمات وجود خارجی و عینی دارند؟ شب / ستاره / سپیده

کدام کلمات می توانند مجاز باشند؟ تو امشب نیامدی ( مجاز ندارد چون جمله عادی است.) // ای ستاره تابان نیامدی ( ستاره نیامد مگر چنین چیزی داریم که ستاره بیاید پیش ما ، پس ستاره مجازی است.) / ای سپیده شب هجرا نیامدی ( مگر سپیده شب جاندار است که بیاید.)

قرینه ها کدامند؟ نیامدی برای هر دو ( ستاره و سپیده ) که غیر معقول است.

معنای مجازی آنها چیست؟ ستاره تابان یعنی معشوق // سپیده شب هجران : معشوق

یعنی ای معشوق من چرا امشب نیامدی // ای معشوق من چرا در این تنهایی ام نیامدی.

نوع علاقه مجازها چیست؟ شباهت ( معشوق مانند ستاره تابان است ) / ( معشوق همانند سپیده در شب هجران است.)

چون علاقه شباهت است پس می توان گفت استعاره مصرحه هستند. و همچنین می توان آنها را به تشبیه تبدیل کرد.

به قول شفیعی کدکنی: «در عنصر مجاز، شوق و اشتیاقی در خواننده برای جست‌وجو و طلب مفهوم تازه است و این یک عامل درونی است که سخن را تأثیر و نفوذ بیشتری می‌بخشد.»

**گاهی اوقات مجازها وجودی ملموس و عینی ندارند اما شکل و ساختار دارند. یعنی با شنیدن آنها تصویری در ذهن ما ایجاد می شود:**

مثال:

**به یاد روی شیرین بیت می گفت      جو آتش تیشه می زد، کوه می سفت**

در این حالت باید به دنبال کلمه ای باشیم که نوعی علاقه مجاز در آن دیده شود. و بتوان شکلی برای آن تصور کرد.

توضیح اول: شیرین: نام معشوقه فرهاد و خسرو یعنی به یاد شیرین بود... معنای حقیقی دارد و مجازی دیده نمی شود. فرهاد به یاد معشوقه اش شیرین بوده است.

توضیح دوم: بیت: فرهاد به یاد شیرین شعر می سرود و ترانه می خواند. ( بیت در اینجا معنای شعر می دهد... بیت جزئی از یک شعر است. پس علاقه دارد... علاقه جزئی ) ... بیت ... مجاز از شعر چون جزئی از شعر است...

توضیح سوم: آتش: حقیقی است چون تشبیه ساخته با آتش ( مانند آتش )

توضیح چهارم: تیشه: یک ترکیب کنایه ای است ( تیشه زدن : کنایه از کار کردن ، کنده کاری )

توضیح پنجم: کوه: کوه می زد یک ترکیب کنایه ای است ( کوه سفتن: کنایه از کندن )

پس نتیجه می گیریم که « بیت » تنها مجاز است چون در شکل و ساختار شعر به کار می رود و مابقی در شکل حقیقی خود به کار رفته اند...

معنی : او به یاد صورت زیبای شیرین ( نام معشوقه اش ) شعر می سرود و همانند آتش تیشه بر سنگ میزد و کوه را سوراخ میکرد.  
مثالی دیگر:

**این دم شنو که راحت از این دم شود پدید      و اینجا طلب که حاجت از اینجا شود روا**

کدام کلمه در این بیت شکل و ساختار عینی می سازد و عینی نیست؟

اول : با معنی کردن بیت می توان این کلمات را شناخت.

دوم: کدام کلمه به ظاهر وجود خارجی دارد؟ دم ... به ظاهر یعنی دهان... ما دهان را می توانیم ببینیم... اما بقیه به ظاهر دیده

نمی شوند و شکل عینی نمی توان برای آنها تصور کرد مثل: ( راحت ، طلب، حاجت )

سوم: « دم » : در جمله یعنی چه؟ این دم شنو ... یعنی این دهان را بشنو... این که معنایی ندارد... شنیدن برای چه چیزی به

کار می رود؟ چه چیزی را باید شنید؟ سخن را باید شنید... پس « دم » یعنی سخن... این سخن را بشنو

پس دم مجاز از سخن است... خوب دهان ابزاری برای سخن گفتن است... وسیله ای که با آن بتوان سخن گفت دهان است... پس علاقه آن آلیه یا ابزاری است.

معنی بیت: این سخن را بشنو زیرا راحتی و آسایش تو از این سخن حاصل می شود و...  
مثالی دیگر:

### گفتم : مذمت اینان روا مدار که خداوند کرمند، گفت : غلط گفتمی که بنده درمند.

کدام کلمه را می توان یافت که یا وجود خارجی داشته باشد یا در ساختار و شکل ظاهری آن وجود خارجی داشته باشد؟  
مذمت : یعنی سرزنش: شکل و وجود خارجی ندارد  
خداوند: یعنی صاحب... شکل خارجی ندارد.  
کرم: بخشش... شکل و ساختار و وجود خارجی ندارد.  
بنده: غلام و نوکر.. معنای مجازی ندارد.

درم : دارایی و مال و ثروت .... ساختار ظاهری هم دارد( یک نوع پول و سکه در قدیم بوده )  
می توان گفت..... درم ( شکل ظاهری دارد و معنای مجازی هم دارد).. علاقه آن: آلیه است. چون درم وسیله ثروت است.  
نکته مهم: گاهی مجازها در قالب ترکیب های تضاد دار یا تناسب دار و یا با حرف عطف و کاما به دنبال هم می آیند. مثل:

### زهی گویا ز تو کام و زبانم تویی هم آشکارا هم نهانم

کام و زبان: که با حرف عطف «و» در کنار هم آمدند: مجاز از دهان  
آشکارا و نهان: یک ترکیب تضادی هستند و روی هم مجاز از «همه وجود»

### ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نهانی به کف آری و به غفلت نخوری

ابرو باد و مه و خورشید و فلک: ترکی با حرف عطف که تناسب هم دارند... روی هم مجاز از کل خلقت و هستی  
کف: در مصراع دوم: مجاز از دست که جزیی از دست است.

### من آزاده از خاک آزادگانم گل صبر می پرورد دامن من

خاک: مجاز از کشور، وطن

### همه فنجان را سر کشیدم

فنجان: از جنس شیشه یا سفال یا فلز... منظور محتوای ذرون آن.. چای، آب، شربت

### ما را سری است با تو که گر خلق روزگار دشمن شوند و سر برود هم بر آن سریم

سر شماره ۱: اندیشه و فکر و عهد و پیمان  
سر شماره ۲: حقیقت است و مجاز نیست.  
سر شماره ۳: عهد و پیمان و فکر و اندیشه

## جواب کامل خودارزیابی های صفحه ۵۳ و ۵۴

### سوال ۱-

الف) **چرخ**: معنای حقیقی: چرخ می گردد ..... اما معنای مجازی: آسمان (قرینه: مضاف بودن کلمه چرخ که با کسره آمده قبل از نیلوفری و نیز به زیر آوری)

ب) **سر**: معنای حقیقی: یکی از اعضای بدن انسان است..... معنای مجازی: اندیشه، فکر، قصدریال نیت (امشب ندارد: قرینه)

پ) **سینه**: معنای حقیقی: جزیی از بدن انسان است..... معنای مجازی: دل و قلب، همدم، همراه و هم سخن (مالامال درد است: قرینه)

### سوال ۲-

الف) **فردا**: مجاز از آینده (قرینه: آن شهر خاموش از خواب دوشینه برخاست).

**شهر**: مردم کشور (قرینه: مضاف بودن برای خاموش و برخاستن از خواب)

ب) **خاکی و آبی**: مجاز از انسان (قرینه: حدیث کند برای خاکی و آبی)

پ) **نرگس**: مجاز از چشم (قرینه: مضاف بودن نرگس که با کسره به او اضافه شده است).

ت) **عالمی**: مجاز از مردم (قرینه: دل؛ که با کسره در اول عالمی آمده)

ث) **نگین**: مجاز از انگشتر (مضاف بودن نگین برای پادشاهی که کسره گرفته)

### سوال ۳-

**دست**: مجاز از توان و قدرت ..... **قرینه**: مضاف بودن دست که با کسره به فلک اضافه شده است. و گره گشاید.

### سوال ۴-

قلمرو فکری: توجه به دنیای درون، غم و اندوه، رواج ناامیدی، اندوه و حسرت خوردن به خاطر ایام از دست رفته جوانی.

قلمرو ادبی: تشبیه: سر به درخت شکوفه دار / سر: مجاز موی سر / اضافه استعاری: میوه غم / مراعات نظیر: درخت، میوه، شکوفه.

## سوال ۵-

بضاعت نیاوردم اَلّا امید      خدایا ز عفوم مکن ناامید

بِ ض ا ع ت	نَ ی ا و ر	دَ مِ ل لا	اَ مِ ی د	خُ د ا ی ا	ز ع ف و م	مَ کُن	ن ا ا مِ ی د
- - U	- - U	- - U	- U	- - U	- - U	- U	- U
فعولن	فعولن	فعولن	فَعَل	فعولن	فعولن	فعولن	فَعَل

## جواب کامل کارگاه تحلیل فصل ( صفحه ۵۵ و ۵۶ )

### سوال ۱ -

قالب شعر: غزل

دوره سبکی: قرن هفتم هجری

نام دوره سبکی: عراقی

موضوع شعر: عاشقانه

نوع شعر: غنایی

ویژگی شعر: نرم و دل نشین که در آن احساسات عمیق انسانی را بیان می کند.

### چند نمونه از ویژگی های قلمرو زبانی این غزل:

استفاده از ماضی ساده به جای ماضی استمراری: ندانستم: نمی دانستم

استفاده از فعل گذرا شده قدیمی فعل ها که « ا » در وسط افعال می آمده: عهد ناپستن: عهد نیستن

نیایی: پایدار نبودن

کنندم: می کنند.

استفاده از شکل مصدری فعل: به تو گفتن: به تو می گفتم

زنخدان: چانه

اهل نظر: عاشقان با معرفت و با بصیرت

استفاده از « ی » اسنادی به جای فعل اسنادی: چرای... چرا هستی

نه خال است: خال نیست

ز : به جای از

### چند نمونه از قلمرو ادبی شعر:

قالب شعر غزل

تشبیه، واج آرایی، کنایه، تضاد، مجاز، تخلص در بیت آخر، تشخیص

قلمرو فکری: در ستایش معشوق زمینی، شکایت از بی وفایی معشوق ، شکوه از درد فراق.



## سوال ۲-

تشبیه: فراش باد صبا ، دایه ابر بهاری، بنات نبات، مهد زمین، قبای سبز ورق، اطفال شاخ، کلاه شکوفه  
استعاره: فرش زمردین .. استعاره از طبیعت سرسبز  
تشخیص: فراش باد صبا را گفته، قدوم موسم ربیع  
جناس: بنات و نبات  
مراعات نظیر: باد صبا، ابر بهاری، درخت، شکوفه --- دایه، بنات، مهد، اطفال  
سجع: بگسترد و بپرورد ..... گرفته و نهاده ..... گفته و فرموده

## سوال ۳-

ز یزدان دان نه از آرکان که کوه دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی  
پایه های ز یز دا دا ن از ار کا ک کو ته دی د گی با شد  
آوایی ک خط طی کز خ رد خی زد ت آ را از ب نا بی نی

نشانه های آوایی --- U --- U --- U --- U  
وزن بیت : مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

در این بیت که هر مصراع چهار رکن یا پایه آوایی دارد، وزن مفاعیلن عیناً تکرار شده که به آن پایه های آوایی همسان می گویند.

قسمت هایی که تلفظ نمی شوند و یا در تقطیع هجایی حذف می شوند را با رنگ ... مشخص نموده ام.

\*\*\*\*\* پایان \*\*\*\*\*